

(۲)

تابعیت زن شوهر دار

دکتر ابراهیم تقوائی

وکیل دادگستری

شورای پژوهش گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

تابعیت زن پیر و تابعیت مرد است، مشروط بر اینکه مقررات قانونی کشور شوهر آنرا اجازه دهد.

الف - نظام قضایی که بموجب آن زن خارجی خود بخود تابعیت ملی شوهرش را بدست می آورد و زن دارای تابعیت ملی که با مرد خارجی ازدواج می کند، وقتی تابعیت ملی خود را ازدست می دهد که تابعیت شوهرش را تحصیل کرده باشد.

اصول نظم قضایی گروه مزبور کم و بیش نزدیک به اصول نظام قضایی گروهی است که در بخش قبل مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. ولی اصول مزبور بمنظور جلوگیری از بی‌تابعیت شدن زن که دارای تابعیت ملی است و با مرد خارجی ازدواج کند، تغییر می‌یابد که اینک شقوق آنرا مورد بحث قرار می‌دهیم:

* زن خارجی که با مرد دارای تابعیت ملی ازدواج کند، خود بخود تابعیت شوهرش را بدست می‌آورد.

* زن دارای تابعیت ملی که با مرد خارجی ازدواج کند، خود بخود تابعیت خود را از دست می‌دهد، بشرط اینکه تابعیت شوهر نیز قانوناً به‌زن تحمیل گردد.

* زن دارای تابعیت ملی که با شوهری که تابعیت ملی او را دارد، ازدواج کند، هر گاه شوهر در زمان ازدواج تابعیت خود را از دست دهد، زن نیز تابعیت ملی اش را از دست می‌دهد، مگر آنکه تابعیت جدید شوهرش به او تحمیل گردد.

بهترین شاهی که می‌توان در اجرای اصول بالا ذکر کرد، قانون تابعیت مورخ ۱۳ ژوئن ۱۹۱۲ ایتالیا است. ماده ۱۰ قانون مزبور صراحت دارد باینکه «تابعیت يك زن شوهر دار نمی‌تواند از شوهر او مجزا باشد، حتی اگر بین آنها جدایی صورت گیرد».

يك زن خارجی که با مرد ایتالیایی ازدواج کند، تابعیت ایتالیایی را بدست می‌آورد.

يك زن ایتالیایی که با مرد خارجی ازدواج کند، تابعیت ایتالیایی خود را از دست می‌دهد، مشروط بر اینکه تابعیت شوهر بزنی داده شود».

مقررات تابعیت ایران را نیز می‌توان در این گروه طبقه بندی کرد. بموجب بند ۶ ماده ۹۷۶ قانون مدنی « هر زن تبعه خارجی که شوهر ایرانی اختیار کند، تبعه ایران محسوب می‌شود». ماده ۹۸۷ قانون مزبور مقرر داشته-

است که «زن ایرانی که با تبعه خارجی مزاجت کند، به تابعیت ایرانی خود باقی خواهد ماند، مگر اینکه مطابق قانون مملکت زوج تابعیت شوهر بواسطه وقوع عقد ازدواج بزوجه تحمیل شود».

ب - نظامهای قضایی که بموجب آن زن خارجی شخصی که دارای تابعیت ملی است، وقتی خود بخود تابعیت شوهرش را بدست می آورد که تابعیت خودش را بعلت ازدواج ازدست دهد و زنی که دارای تابعیت ملی است و با مرد خارجی ازدواج کند، فقط وقتی تابعیت خود را ازدست می دهد و تابعیت شوهرش را تحصیل می کند که از تابعیت ملی اش صرف نظر کند.

در این گروه سه نوع قانونگذاری را می توان تشخیص داد که بموجب آنها زن خارجی مرد دارای تابعیت ملی تابعیت خود را در نتیجه ازدواج از دست می دهد :

۱ - نظامهای قضایی که بموجب آن زن خارجی مرد دارای تابعیت ملی که تابعیت خود را ازدست نداده است، ممکن است از تابعیت شوهرش صرف نظر نموده عدول کند.

این روش در قانون مدنی جمهوری دومینیکن وضع و بمورد اجرا گذاشته شده است و بموجب ماده ۱۲ قانون مزبور «يك زن خارجی که با مرد دومینیکنی ازدواج کند، تابعیت شوهرش را بدست می آورد، مگر آنکه قانون تابعیت کشور زن اجازه دهد، او بتابعیت اصلی اش باقی بماند؛ در این صورت باید در سند ازدواج عدول خود را از تابعیت دومینیکن اعلام نماید».

قانون فرانسه و بلژیک نیز اجازه می دهد، زن خارجی تابعیت اصلی اش را حفظ نموده از تابعیت فرانسه تحت شرایط معین صرف نظر نماید.

۲ - نظامهای قضایی که بموجب آن زن خارجی شخص دارای تابعیت ملی که تابعیت اصلی اش را در نتیجه ازدواج ازدست نداده، می تواند تابعیت شوهرش را نقضا کند. این روش در کستاریکا مورد قبول واقع شده است و ماده ۱۴ قانون اساسی هفتم نوامبر ۱۹۴۹ کشور مزبور که بموجب قانون بیست و نهم آوریل ۱۹۵۰ اصلاح شده،

مقرر داشته است که «يك زن خارجی که با مرد کستاریکایی ازدواج کند، می تواند از تابعیت اصلی خود صرف نظر نموده قصد خود را به تحصیل تابعیت کستاریکایی اعلام نماید».

۳ - نظام قضایی که بموجب آن مقرراتی مخصوص برای تحصیل تابعیت شوهر توسط زن خارجی که تابعیت اصلی اش را در نتیجه ازدواج از دست داده، وضع گردیده است. این طریقه در چین مورد قبول واقع شده و ماده ۲ قانون فوریه ۱۹۲۹ چین مقرر داشته است که «زن خارجی که با مرد چینی ازدواج کند و بموجب قانون خود تابعیت اصلی اش را از دست دهد، دارای تابعیت چینی خواهد بود».

۳

تابعیت زن مستقل از تابعیت شوهر است.

این طریقه بر اساس استقلال تابعیت زن وضع شده و اخیراً مورد قبول چندین کشور قرار گرفته است. در بعضی کشورها روش مزبور بطور کامل اجرا نشده و ازدواج تأثیری در تابعیت زن ندارد و بهمین کیفیت است، وقتی تابعیت مرد در زمان ازدواج تغییر یابد و یا عقد نکاح منحل گردد و تنها وسیله تحصیل تابعیت زن و وحدت خانواده آنست که زن تقاضای تابعیت شوهرش را نموده و پس از انجام تشریفات خاص در صورتی که شوهر او نیز موافق باشد، تابعیت شوهرش را بدست آورد.

گروه بسیاری دیگر از کشورها در حالی که اصل استقلال زن را در تحصیل تابعیت قبول کرده اند، بزین خارجی اجازه داده اند، تابعیت شوهرش را بنا بر درخواست شخصی و یا از طریق انجام تشریفات ساده بدست آورد.

الف - نظامهای قضایی که بموجب آن تغییر تابعیت شوهر در زمان ازدواج و یا بعد از انحلال عقد نکاح تأثیری در تابعیت زن ندارد.

صور مختلف و اساسی نظامهای مزبور بشرح زیر است :

- * زن خارجی که با مرد دارای تابعیت ملی ازدواج کند ،
تابعیت شوهر را بدست نمی آورد .
- * زن دارای تابعیت ملی که با مرد خارجی ازدواج کند ،
تابعیت ملی خود را از دست نمی دهد .
- * زن خارجی که شوهرش در زمان ازدواج تابعیت دیگری
را بدست آورد ، تابعیت شوهر را بدست نمی آورد .
- * زن دارای تابعیت ملی که شوهر هم‌تابعیت او در زمان ازدواج
تابعیتش را از دست می دهد ، تابعیت ملی اش را از دست
نخواهد داد .

قانون کشور لهستان يك نوع از نظام قضایی این گروه است. ماده ۵ قانون
تابعیت هشتم ژانویه ۱۹۵۱ کشور مزبور صراحت دارد باینکه «۱- ازدواجی که
بین يك مرد لهستانی و زن خارجی منعقد گردد ، هیچ تأثیری در تابعیت زن
ندارد» . «۲- تغییر در تابعیت یکی از طرفین عقد ازدواج تغییری در تابعیت
دیگری نخواهد داد» .

قانون اساسی کشور هندوراس مورخ بیست و هشتم مارس ۱۹۳۶ شامل مقررات
زیرمی باشد: « اصل ۹ - نه عقد ازدواج و نه انحلال آن تأثیری در تابعیت شوهر
وزن و یا فرزندان آنها نخواهد داشت» .

ب - نظام قضایی که بموجب آن ازدواج و تغییر تابعیت شوهر در زمان
ازدواج بزن حق می دهد ، تابعیت شوهر را خواه از طریق تقاضای شخصی و خواه
از طریق انجام تشریفات بدست آورده از تابعیت خود صرف نظر نماید .
صور مختلف اساسی این گروه عبارتست از :

- * زن خارجی که با مرد دارای تابعیت ملی ازدواج کند ، بطور
خود بخود تابعیت شوهر را بدست نمی آورد ، ولی می تواند
آنها را با تقاضای شخصی و یا انجام تشریفات ساده تحصیل
نماید .

* زن دارای تابعیت ملی که با مرد خارجی ازدواج کند ،
تابعیت اصلی خود را در صورتی از دست می‌دهد که خروج
از آنرا تقاضا کند .

* زن خارجی که شوهر خارجی او تابعیتش را تغییر دهد ،
تابعیت جدید شوهر خود را بدست نمی‌آورد ، مگر آنکه
تشریفات تبدیل تابعیت او مستقلاً صورت گیرد .

* زن دارای تابعیت ملی که شوهر هم‌تابعیت او تابعیتش را
در زمان ازدواج از دست دهد ، تابعیت خود را از دست
نمی‌دهد .

از این گروه دو نوع نظم قضایی بوجود می‌آید : يك نوع نظم قضایی که
بموجب آن زن خارجی که با مرد دارای تابعیت ملی ازدواج کند، تابعیت شوهرش
را وقتی بدست می‌آورد که بطور ساده آنرا تقاضا کند و نوع دیگر تابعیت شوهر
بطور ساده از طریق انجام تشریفات بدست می‌آید.

۱ - نظم‌های قضایی که بموجب آن زن خارجی که با مرد دارای تابعیت
ملی ازدواج کند ، تابعیت شوهرش را بحق و یا با انجام تشریفات ساده‌ای که فقط
ثبت اظهارنامه است ، بدست می‌آورد .

قانون تابعیت انگلستان سال ۱۹۴۸ از این نوع می‌باشد و مقررات بخش ۶
و ۱۹ قانون مزبور صراحت دارد باینکه « زن دارای تابعیت ملی که با مرد خارجی
ازدواج کند ، تابعیت خود را از دست نمی‌دهد ، مگر آنکه از تابعیت انگلیسی
خود صرف‌نظر کند. زن خارجی که با مرد دارای تابعیت ملی ازدواج کند، در صورت
تقاضا و یادکردن قسم تابعیت شوهرش را بدست می‌آورد . او می‌تواند مستقلاً
تقاضای تابعیت کند ، مشروط بر اینکه تشریفات مربوط را انجام داده و واجد
شرایط باشد .

اگر يك شوهر خارجی تابعیت انگلیسی را بدست آورد ، زن او نیز
می‌تواند بعنوان تبعه انگلیس ثبت نام نموده و یا مستقلاً تقاضای تابعیت نماید ،

مشروط بر آنکه واجد شرایط بوده تشریفات لازم را انجام دهد.»
طریقه مزبور در بعضی از کشورهای مشترك المنافع نیز قبول و باجر گذاشته شده است و در بعضی از این کشورها نیز تغییراتی در آن داده شده است. کشورهای دیگری که روش مزبور را قبول کرده اند، عبارتند از بولیوی، اکوادور، غنا، جمایکا، لوگزامبورگ، مکزیك، سیرا و غیره.

۲ - نظامهای قضایی که بموجب آن زن خارجی که با مرد دارای تابعیت ملی ازدواج کند، می تواند تابعیت شوهرش را با انجام تشریفات اختصاصی تحصیل نماید.

عده زیادی از کشورها اخیراً نظمی را قبول کرده اند که بموجب آن بزنی خارجی نیز تابعیت شوهر داده می شود، مشروط بر آنکه تشریفات خاص و معینی را انجام دهد و البته تشریفات مزبور در کشورهای مختلف متفاوت می باشد. از جمله مقررات کشورهای فنلاند و مجارستان را باید جزو این طریقه نامبرد.

بعضی از نظامهای قضایی مقرراتی را وضع کرده اند که بموجب آن زن خارجی باید يك اظهارنامه و یا يك درخواستی را جهت تحصیل تابعیت بمقامات ذیصلاحیت تسلیم نماید و مقامات مزبور حق قبول و یا رد اظهارنامه و یا درخواست مزبور را دارند و بعنوان مثال می توان نظم قضایی کشورهای چکسلواکی و غنا و مراکش و ونزوئلا را نام برد. مثلاً ماده ۲ قانون شماره ۱۹۴ سیزدهم ژوئیه ۱۹۴۹ چکسلواکی که بموجب آن قانون شماره ۷۲ سال ۱۹۵۸ اصلاح شده است، مقرر می دارد، «يك زن خارجی که با مرد دارای تابعیت ملی ازدواج کند، می تواند تابعیت چکسلواکی را تحصیل کند، مشروط بر اینکه مقامات کمیته ملی درخواست او را قبول کند. تقاضا ممکن است قبل از ازدواج نیز تسلیم گردد ولی نه بیشتر از ۶ ماه و جتی وقتی که تقاضا قبول شود، فقط تابعیت زن از زمان عقد نکاح اعطا می گردد».

در بعضی از این کشورها زن خارجی يك مرد دارای تابعیت ملی برای آنکه تابع آن کشور گردد، باید واجد شرایط تحصیل تابعیت با استثنای مدت اقامت

باشد، چه مدت اقامت در باره او تقلیل می یابد. مثلاً بموجب مقررات قانون تابعیت سال ۱۹۵۲ ممالک متحده آمریکا زوج خارجی زن دارای تابعیت ملی باید واجد شرایط تابعیت باشد و شرایط مدت اقامت او از ۵ سال به سه سال تقلیل می یابد که مدت مزبور از تاریخ تسلیم تقاضا نامه احتساب خواهد شد.

قانون تابعیت بر مه سال ۱۹۴۸ حاوی مقررات مشابهی است که فقط مدت اقامت را بشرح زیر تقلیل می دهد: «هر زنی که با اتباع برمه ازدواج کند، می تواند بعد از اقامت مداوم يك سال در برمه تقاضای تابعیت خود را برای صدور گواهی نامه بوزیر مربوط تسلیم نماید.»

در کشورهای پیرو گروه مزبور زن خارجی مرد دارای تابعیت ملی از بعضی شرایط تابعیت که نسبت به خارجیان اجرا می شود، معاف می باشد. قانون تابعیت ۱۹۵۰ ژاپن نوعی از نظم مزبور می باشد که بموجب ماده ۴ آن وزیر دادگستری نمی تواند بیک خارجی اجازه تابعیت دهد، مگر آنکه زن یا مرد واجد شرایط زیر باشد:

۱- هر گاه شخص مدت ۵ سال متوالی یا بیشتر در ژاپن اقامت داشته باشد.

۲- شخص دارای ۲۰ سال یا بیشتر بوده و بموجب قانون کشور خود بالغ و عاقل باشد.

۳- شخص ثروتمند بوده و بقدر کافی دارای داشته تا بتواند زندگی کند. و بالاخره در چند کشور دیگر زن خارجی شخص که دارای تابعیت ملی است، می تواند تابعیت شوهرش را بدست آورد، حتی اگر واجد شرایط و مقررات تابعیت کشور نباشد و از آن جمله باید نظم قضایی کشور اسرائیل و ممالک اسکاندیناوی را نامبرد:

قانون تابعیت کشور اسرائیل مصوب ۱۹۵۲ صراحت دارد باینکه زوج یا روجه يك اسرائیلی می تواند تابعیت اسرائیل را بدست آورد، حتی اگر کبیر نبوده و واجد شرایط مذکور در بخش ۵ قانون نباشد. مقررات بخش ۵ مربوط به

شرایط تحصیل تابعیت است.

ماده ۶ قانون تابعیت سوئد مصوب ۲۲ ژوئن ۱۹۵۰ صراحت دارد باینکه «سلطنت می تواند تابعیت سوئد را باشخاص واجد شرایط زیر اعطا نماید:

۱- بسن ۱۸ سال رسیده باشد .

۲- مدت ۷ سال در سوئد اقامت داشته باشد .

۳- دارای کار و سبحیه خوب باشد .

۴- بتواند خود و خانواده اش را اداره کند.»

نظر باینکه اعطای تابعیت سوئد بمتقاضی بنفع کشور است، هر گاه ذینفع قبلا تابعیت کشور سوئد را تحصیل کرده و باتبعه سوئدی ازدواج کند و یا دلایل قوی برای اعطای تابعیت او باشد، تابعیت سوئد ممکن است بدون رعایت شرایط مذکور بالا به ذینفع اعطا گردد .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال منابع علوم انسانی

1. Henri Batiffol; *Traité Elementaire de Droit International Privé*; Paris, Libraire General de Droit et Jurisprudence, 1949. p. 58-166.

2. Cogordan; La Nationalité au point de Vue des rapports Internationaux., 2^e, ed.
3. Flournoy and Hudson; A Collection of Nationality Laws of various countries as contained in constitutions, statutes and treaties, New York, 1929.
4. United Nation Document E/CN. 6/254/REV. 1. "Nationality of married woman; New York, 1963.
5. Gegout, Des Conflits de Nationalité in la nationalité dans la Science Sociale.
6. Jean Servais et E. Mechelynck, "Les Codes Belge, Tome Premier, Matières Civiles et Commerciales, Bruxelles, 1961.
7. Dalloz, Code Civiles, Paris.

۸ - قانون مدنی ایران .

پایان

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی